

سرمقاله

چرا هراس افگنان هزاره ها را هدف قرار داده اند؟

حفيظ الله زكي

این بار سوم است که هزاره های مسافر از شاهراه کابل- هرات ربهده می شوند. سوال این است که چرا این گروه ها هزاره ها را هدف قرار داده اند؟

گفته می شود که گروه موسوم به داعش مسافران را ربهده اند. گروهی که تاکنون موجودیتش در افغانستان انکار می شد؛ اما بالاخره حکومت به صورت رسمی حضور گروه داعش را در افغانستان تأیید کرد و از برنامه های حکومت برای مقابله با این گروه سخن گفت.

واقعیت های تلخ در ولایات مختلف افغانستان و از جمله ربودن سیستماتیک و برنامه ریزی شده مسافران بیگناه هزاره از شاهراه جنوب کشور، وجود گروه افراطی دیگری را در این کشور محرز ساخت.

مردم افغانستان تا هنوز از کشتار و ستم های گروه طالبان و شبکه ختانی نجات پیدا نکرده اند که حال باید با یک گروه به مراتب خشن تر و دهشتناک تر دیگری به نام داعش دست و پنجه نرم کنند.

این خطر با توجه به زمینه و فضای فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی که در افغانستان وجود دارد، از همان آغاز ورود گروه داعش در خاورمیانه احساس می شد؛ اما مقامات امنیتی کشور بارها حضور داعش را در این کشور رد کرده و امکان فعالیت آن گروه را در افغانستان بعید می دانستند.

در حال حاضر گزارش های مؤلفی وجود دارد که گروه های ناشناخته و سیاه پوش با پرچم های داعش در مناطق مختلف کشور فعالیت دارد.

این گروه ها حد اقل از لحاظ ظاهری و شیوه های جنگی تلاش می کنند، تا مشابه گروه داعش در سوریه و عراق عمل کنند.

بیرحمی، قساوت و کشتارهای دهشتناک مردم بیگناه به نام دین و مذهب از ویژگی های رفتاری این گروه محسوب می شود.

به هر حال مسئولان امنیتی بجای این که گزارش های مربوط به فعالیت داعش در افغانستان را به کلی رد کنند، بایستی به صورت دقیق مراقب حرکت ها و باورهای گروه های مخالف مسلح دولت در ولایت های گوناگون باشند. احتیاط حکم می کند که فعالیت احتمالی گروه داعش را جدی گرفته و نسبت به آن با وسواس و دقت کافی برخورد شود.

فرهنگ قبیله ای حاکم بر کشور، برداشت های خشک، محدود و جاهلانه از دین، فقر، بیچارگی و بیکاری مردم و بخصوص جوانان کشور و فقدان حاکمیت سیاسی در مناطق نامن، زمینه را برای هرگونه فعالیت هراس افگانه و خشونت آمیز مهیا کرده است.

این گروه ها برای نام و نشان بیشتر و جلب توجه مردم و به ویژه جوانان به آسانی می توانند فعالیت های خود را تحت عنوان گوناگون سروسامان دهند.

نزدیکی خواست ها و باورهای این گروه و رشد نمودن در بستر های مشابه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این امکان را فراهم ساخته است، تا آنها به راحتی بتوانند فعالیت های هراس افگانه خود را تحت نامهای گوناگون ادامه دهند.

ما نمی توانیم اطمینان داشته باشیم که گروه های شورشی امروز، از این پس جنگ شان را تحت نام و لوای داعش در افغانستان ادامه ندهند. لذا ترس و هراس عمده مردم در حال حاضر این است که با ختم پروژه طالب، پروژه دیگری تحت عنوان جدید در افغانستان را ه اندازی نشود.

پروژه ای که وظایف طالبان را به گونه خشن تر و بیرحمانه تر به پیش ببرد. ظهور گروه داعش در بسیاری از مناطق و بلند شدن پرچم این گروه می تواند نشانه نگران کننده در ارتباط به امنیت شهروندان و بخصوص هزاره ها باشد.

ربودن بیش از سی نفر مسافران هزاره از مسیر قندهار- کابل و هشت تن از مسیر غزنی و جاغوری و شش تن از مسیر هرات- فراه نشان می دهد که گروه های هراس افکن این بار دقیقاً وحدت اقوام و مذاهب را در افغانستان نشانه گرفته و می خواهند باکشتار افراد متعلق به یک قوم و مذهب، دشمنی و حساسیت های منفی میان اقوام و مذاهب را دامن زنند.

روایهای بر باد رفته کودکان در دنیای مهاجرت

حسین بهمن / قسمت اول



با خانواده های شان در استرالیا زنده گی میکنند. متأسفانه مهاجرت افغانها به استرالیا طی سیزده سال گذشته به دلیل عدم آگاهی مردم از قوانین و پالیسیهای مهاجرت استرالیا و همچنین کمپاینهای گسترده قاچاقبران انسان همواره بصورت غیرقانونی صورت گرفته است.

مهاجرتهای غیرقانونی به استرالیا که عمدتاً با کشتنهای کهنه و فرسوده صورت میگردد، سفر به استرالیا را برای پناهجویان به خصوص کودکان فوق العاده خطرناک ساخته است. طی سیزده سال گذشته تراژدیهای زیادی در ابهای استرالیا برای پناهجویان اتفاق افتاده است. به اساس اماراها از سال ۲۰۰۱ میلادی تا اکنون دستکم پانزده صد تن از پناهجویان که به صورت غیرقانونی عازم استرالیا بودند به دلیل غرق شدن کشتنهای شان در اب جانهای شانرا از دست داده اند. در میان قربانیان تعدادی زیادی از کودکان نیز شامل بوده اند.

ادامه دارد ...

شهروندان افغانستان ناگزیر شده اند که خانه های شانرا ترک کرده به کشورهای دور وویازدیگ پناه ببرند. روی همین دلیل است که امروز افغانان از جمله کشورهای است که بیشترین تعداد مهاجرین را در سطح جهان داراست. هرچند در گذشته نسبتاً دور مردم افغانستان همواره سعی میکردند که در کشورهای همسایه نظیر ایران و پاکستان پناه ببرند. هم اکنون میلیونها نفر از شهروندان افغانستان در کشورهای ایران و پاکستان به عنوان مهاجر زنده گی میکنند. اما طی یک دهه گذشته مهاجرت افغانها به کشورهای اروپایی، امریکا، کانادا و استرالیا نیز بصورت بی سابقه ای افزایش یافته است. برطرفدار ترین مقصد برای پناهجویان افغان بوده است. پناهجویان افغانی یک دهه گذشته سعی کرده اند که نه تنها خودشانرا بلکه تمام اعضای خانواده شانرا به استرالیا انتقال دهند. در حال حاضر هزاران تن از شهروندان افغانستان همراه

در پیش رو داشته باشند. اما متأسفانه در افغانستان طی دهه های گذشته حکومت به دلیل مشکلاتی که وجود داشته هیچگاهی نتوانسته است که زمینه های آموزش را برای کودکان کشورین را در آماده سازند. این امر باعث شده است که کودکان افغانستان طی دهه های گذشته موفق نشوند به آموزش دسترسی داشته باشند. این مسئله باعث شده است که کودکان افغانستان با تفاوت های عمده با کودکان که در سایر کشورها بزرگ میشوند دچار ایند. گذشته از همه این مشکلات، وقتی یک کودک افغانی باشد آنها در دنیای مهاجرت دیگر شرایط به کلی فرق میکند. شاید هیچ کس نتواند درک کند که یک کودک افغانی در دنیای مهاجرت با چه چالشهای روبرو میشود و مشکلات را تحمل میکند. کودکان بودن در دنیای مهاجرت انهم اگر خودشانرا بلکه تمام اعضای خانواده شانرا شاید نتواند عمق آنرا تعیین کند. دهه های گذشته میلیونها تن از

کودکان از آسیب پذیرترین قشر اجتماعی به شمار میرود. کودکان در هر جامعه ی نیاز به مراقبت های جدی وویژه در قدم نخست از سوی خانواده ودر قدم دوم ازسوی حکومت دارد. در جوامع مختلف حکومت برای تربیه سالم کودکان برنامه های گوناگونی را روی دست گرفته وهمواره سعی میکنند که زمینه های تربیت سالم ومدرن ترین شیوه های آموزشی را برای کودکان در یک فضای کاملاً مطمئن و ارام بخش مهیا سازند زیرا کودکان در واقع اینده سازان جامعه هستند. در دنیای کنونی کشورها برای تربیت سالم کودکان واموزش آنان سرمایه گذارهای هنگفتی را میکنند واز هیچ سعی وتلاشی برای تربیت فرزندان شان فروگذار نمیکند.

اما در افغانستان این مسئله کاملاً فرق میکند. دنیای کودکی در افغانستان دنیای ارامش واسباش نیست بلکه دنیای رنج ومشقت است. دنیای کودک افغان با دنیای کودکان در سایر کشورها تفاوتهای فراوان دارد. کودکان در افغانستان در همان ابتدای زنده گی که به عرصه دنیا میگردانند، با دشواریهای فراوان روبرو میشوند. در دنیای کودکان افغانستان از ارامش، اسپاش واموزشهای مدرن خبری نیست بلکه رنج درد وغصه اندوه است که کودکان افغانستان در دنیای کودکانه شان انرا تجربه میکنند. خانواده ها با هر از ان مشکل میتوانند تنها نیازمندیهای ابتدایی کودکان مانند خوردن، اسپاشیدن آنان را مرفوع سازند و سایرینمندیهای اجتماعی کودکان مانند تربیت سالم، آموزش، محیط زنده گی مطمئن، محیط تفریح وسرگرمی آرزوهای است که کودکان افغانستان شاید هرگز به ان دسترسی پیدا نکنند. نقش خانواده ها در تربیه کودکان: بدون شک خانواده ها نقش اساسی در تربیت کودکان دارند. خانواده اولین محیطی است که کودک در ان وارد میشود، در انجا زنده گی میکند ودر انجا رشد میکند. کودک برای نخستین بار زنده گی اجتماعی را در خانواده تجربه میکند. روزهای اول زنده گی کودکان در دامن خانواده آغاز میشود وبه همین دلیل کودکان اولین چیزهای

افغانستان در جمهوری خواهی

محمد عرفانی

تا حدود زیادی از آن استقبال نموده و همواره در کنار اصلاحات امانی قرار گرفت. زیرا حقوق شهروندی، فشارهای ناشی از تحمیلات گذشته را از دوش آنتامیکاست و برای آنان آزادی نسبی را فراهم میکند. ۲.تقسیم و تفکیک قوا قدرت همواره میل به گسترش، توسعه و فزونخواهی دارد. از اینرو تسویه قوا یکباز مؤثرترین شیوههای جلوگیری از استبداد و محدود نمودن قدرت شاهان و شاهزادگانمیباشد.

این امر نیز یکی از مواردی بود که در اصلاحات مدنی به عنوان یکی از مؤلفههای نظامسیاسی افغانستان مطرح گردید و بدین ترتیب نقش مردم در سرنوشتشان افزایش یافت. در این قسمت متوجه شدیم که بعضی از ارزشها و اصول جمهوری در قانون اساسیافغانستان گنجانیده و به رسمیت شناخته شده بودند و این خودکامی است در راه موفقیتتکاپوهای دموکراتیک، در این دوره آزادی و برابری اجتماعی و سیاسی و مشارکت مردمبه لحاظ تئوریک در متن قانون اساسی ارج نهاده شد و مفهوم حکومت،مردم و آزادی و سایر عناصر جمهوری در ذهنیت جامعه تحول اساسی یافت و مردم با مفاهیم جدید و مدرنتر در جهت سازماندهی روابط جامعه با دولت آشنایی پیدا کردند.

اما این اصلاحات تداوم نیافت و به دلیل کارتسهای فراوانی که در برنامهها و مجریاتآن وجود داشت، در تقابل نیروهای سنتی قرار گرفته و مغلوب آنان گردید. کشور برایمدتی دچار هرجومرج گردید و در دوران بچه سقا نادر خان و عموهای محمد ظاهرشاه، چهره استبداد و دیکتاتوری یکبار دیگر در چهره خاندان محمد نادر تبارز نموده و امیدها و آرزوهای آزادیخواهان وطن دچار یأس و ناامیدی گردید.شخصیتهای برجستهایهمچون شهید اسماعیل بلخی،فیض محمد کاتب هزاره، غلام محمد غبار، و ده ها مبارز راه استقلال و آزادی قربانی استبداد گردیده و در سیاهچالهای رژیم استبدادی به در چهره شهادت نایل گردیدند.

دهه قانون اساسی اما مبارزات ضد استبدادی وطن پایان نیافت و بار دیگر پرچم مبارزه را فرزندان دیگری بر دوش گرفت و رژیم دیکتاتوری محمد ظاهرشاه را وادار نمود تا حقوق و آزادیهای مردم را به رسمیت شناخته و مشارکت آنان را در سرنوشت سیاسی،اقتصادی و فرهنگیشان بپذیرند.

و بدین ترتیب دهه قانون اساسی شکل

گرفت. در این دوران به فرمان محمد ظاهرشاه نظام سیاسی کشور از سلطنتی مطلقه به سلطنتیمشروطه تغییر کرد و قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید. اختیارات خانواده سلطنتی محدود گردید و آزادیهای مدنی و سیاسی بار دیگر کشور را فراگرفت. احزاب و گروه های زیادی سر سر آورد و بدین ترتیب کام جدیدی در فرایند جمهوریخواهی در کشور آغاز گردید.

دهه قانوں اساسی و دوران مشروطه، گامهای در جهت قانونمند کردن نهادهای مدنی، مشارکت سیاسی و کثرتگرایی فرهنگی(از سوی نظام سلطنتی) برداشته شد. قدرت از انحصار اشرافیت حاکم تا حدودی خارج گردید و در میان نهاد سلطنت و نهادهای قانوندیگر به نسوی توزیع گردید.روابط دولت و ملت در چارچوب قانون اساسی(۱۹۶۲ م/۱۳۴۲ش) از نو تعریف گردید. اما علی رغم این تحولات مثبت دولت و جامعه نتوانستند خود را از وابستگیهای شدید نظام فئودالیسم و قبیله سالاری، کاملاً تجرید نمایند.

در نتیجه روند توسعه اندیشه جمهوری و نهادهای مدنی با توجه به فقدان زیرساختهایفرهنگی و اجتماعی مناسب، با موانع پیچیدههای روبرو بود. و نیروهای استبدادی و قدرطلب را به داخل و خارج از خانواده سلطنتی که منافع خود را مغایر با آزادیهای مدنی، سیاسیو اقتصادی مردم میدیدند، آزادیهای مردمی را برنتابیدند و فعالیتهاشان را برابرسرکوب این آزادیها آغاز کردند. سردار محمد داود در کانون این مخالفان قرار داشت و سر انجام با همکاری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، طی یک کودتای بدون خونریزی، نظام مشروطه را برچسبده و به جای آن جمهوری در کشور را اعلان نمود. جمهوری و کودتای سردار محمد داود سردار محمد داود واژه شاهی را به جمهوری تبدیل کرد، که بایستی با ویژگیهای یک حکومتدموکراتیک ههخوانی داشته باشد- و از بسط و توسعه حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم در وجود قانون اساسی، سخن میگفت اما واقعیت این بود که سردار محمد داود هیچگاه با آزادی و دموکراسی میناهای خوبی نداشت و در طی دوران زندگی خود این برای دومین

قسمت دوم

سوی نابودی سوق داد و باعث به وجود آمدن گروه مخوف و واپسگرای طالبان گردید. آنان حاکمیت سیاسی افغانستان را از جمهوری به امارت اسلامی تبدیلکردند و سرانجام این حکومت نیز که در تعارض اساسی با عناصر و آموزه های جمهوریوتقار داشت بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر در امریکا و فروریزی برای دولسوی نیویورک بدست القاعده، گروه طالبان رو در روی جامعه جهانی قرار گرفته و طی حمله نظامی امریکا و احزاب مخالف برچیده و نابود گردید. بدنبال سقوط طالبان و به ابتکار سازمان ملل و حمایت کشورهای جهان و گروه متعدده تحت نظارت سازمان ملل متحد جهت اداره دولت، اجلاسی در شهر «ین آلمان تشکیلگردید.

بر اساس تفاهنامه بین ابتدا یک دولت موقت به ریاست حامد کرزی، تصویب گردید، برگزاری لویه جرگه اضطراری به منظور انتخاب رئیس دولت تا زمان برگزاری انتخابات، تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات سراسری. در این نشست تصویب شد که ادارهموقت کمیسیون مستقلی را برای زمینهایسازی و دایر نمودن یک لویه جرگه اضطراری بهوجود آورده، تا در آن رئیس و کابینه دولت انتقالی به مدت ۸۱ ماه تعیین گردد. و همچنینزمینه تصویب قانون اساسی را فراهم نماید.

جمهوریت در دوره جدید تشکیل دولت پس از کنفرانس «بن» بدنبال حادثه ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان دور جدیدی را بوجود آورد. این دوران را شاید بتوانان نقطه عطف ارزندهای در تحقق مردمسالاری و جمهوری ت قلعداد نمود.

مهمترین اقدامی که در این دوره در جهت حکومت جمهوری انجام شد تصویب قانوناساسی است که دستکم در سطح کانونگذاری عمدهترین عناصر جمهوری مانند مشارکتگردهی، انتخابات، تفکیک قوا، حقوق شهروندی و آزادیهای مدنی پذیرفته شده است و محدودیت هایی که پیش از این بر اقلیتهای قومی و مذهبی تحمیل میشد مرتفع شده است.

این قانون اساسی که پس از بیست و سه سال بحران و جنگهای خونین که در اثر حاکمیت کمونیستها و انحصارگرایی قدرطلبان و تمامیتخواهی طالبان به وقوعپیوست ورگی دیگر در تاریخ سیاسی افغانستان رقم خورد. ادامه دارد



روزنامه افغانان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانان میباشد.

روزنامه افغانان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

□ صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا  
□ مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
□ سردبیر: حفيظ الله زكي  
□ کارکاتوریست: خالق علی زاده  
□ دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
□ مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی  
□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

